



۲۰۱۶/۰۴/۲۷



هاشم انوری

## مهمترین دست آورد ۷ ثور و ۸ ثور،

### باز شدن درب نوکر صفتی، جاسوسی و خیانت به منافع والای کشور!

روز های منحوس و فاجعه بار ۷ و ۸ ثور در کنار هزاران مصائب و بدبختی ها که عاید حال و زندگی ما افغانان نمود، دستاورد یا تولید بس خطرناک دیگر هم در بر داشت و آن تربیه و ارسال هزاران جاسوس توسط کشور های همسایه (ایران و پاکستان)، منطقه و فرا منطقه بر ضد منافع ملی و ملت افغانستان بود. جاسوسان و نوکر صفتان چپی و اخوانی در مدت تقریباً چهار دهه است که بالای گرده های مردم مظلوم ما نشسته و پلان های بادران خود را با اخذ میلیون ها دالر عملی می سازند.



۷ ثور ۱۳۵۷ زیر نام انقلاب کارگران، دهقانان و زحمتکشان افغانستان، سر آغازی برای کشته،

زخمی، معیوب، آواره، مهاجر و زنده به گور ساختن هزاران نفر بیگناه توسط جاسوسان و عمال خود فروخته کرملن مانند تره کی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل و نجیب الله بود که کشف صد ها گور دسته جمعی در ولایات مختلف و پایتخت اثبات این مدعاست.

کودتای ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ هـ ش افغانستان را از یک حالت آرامش نسبی که در دوران سلطنت محمد ظاهر شاه و جمهوری شهید محمد داود خان داشتیم، بسوی یک بدبختی ای که تا بحال دوام دارد سوق داد.

روز سیاه ۸ ثور ۱۳۷۱ و پیروزی "تنظیم های جهادی"، بدبختی، ویرانی، عقب مانی و تباهی بیشتر مردم مظلوم افغانستان را فراهم نمود. راکت های حکمتیار، بمبارد های ربانی - مسعود، تقسیمات شهر کابل و جنگ های کوچه به



کوچه بین احزاب و تنظیم های جهادی سیاف، مزاری، خلیلی، محقق، انوری و دوستم پایتخت زیبای ما را به ویرانه مبدل ساخت. جنایات رهبران تنظیم های پاکستان و ایران در جنگ های کابل، روی کمونیست های خونخوار را سفید کرد. به جرأت می توان گفت که هشت ثور نه تنها سرآغاز شکست مجاهدین واقعی شد، بلکه سرآغازی شد برای شکست مردم افغانستان در تمام ساحات (اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی) و نتیجه آن شد که کشور یکبار دیگر به کام پاکستان و القاعده ذریعه رژیم طالبان سقوط نماید.

نتیجه بی اتفاقی، خودخواهی، بی برنامه‌گی و ندانم کاری های رهبران بیخرد تنظیم ها بعد از سقوط رژیم چپی ها کشور ما



افغانستان را به یک پایگاه بزرگ نظامی برای تروریست های کشورهای مختلف تحت نام کشورهای دوست و اسلامی مبدل نمود. گروه های اخوانی در دهه ۷۰ یعنی دوران شاه و جمهوری شهید داود خان چندین بار در پی اغتشاش بودند تا زندگی های آرام مردم را ناآرام بسازند. در سال

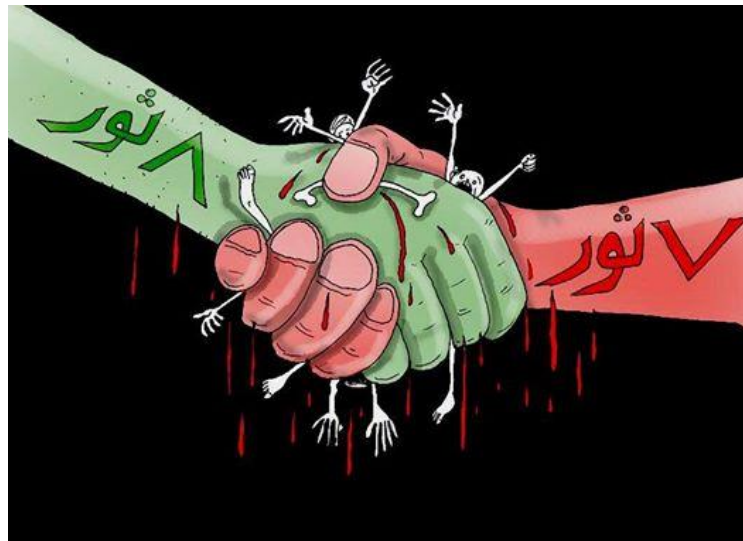
۱۹۷۵ احمد شاه مسعود شورشی را در پنجشیر راه اندازی نموده بود که خوشبختانه نسبت عدم حمایت از طرف مردم محل این حرکت به سرعت سرکوب گردید.

شهر کابل میان تنظیم ها تقسیم گردید، تنظیم های تشنه به خون ملت و تشنگان قدرت و ثروت شروع به جنگ نمودند، حزب اسلامی با شورای نظار، زمانی اتحاد با حزب وحدت و گاهی هم شورای نظار با دوستم گلم جم وارد جنگ گردیدند، و به همین بهانه نه تنها مال و دارایی مردم را به تاراج بردند بلکه بر عفت و عزت آنان نیز تجاوز کردند. طی این جنگ های خانمانسوز هزاران بیگناه کشته، هزاران زن بیوه و ده ها هزار طفل یتیم شدند. کابل به ویرانه مبدل گردید که تا حال با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر توسط جامعه جهانی برای بازسازی افغانستان، قصر زیبا و تاریخی دارالامان به حالت یک ویرانه، و محل بود و باش معتادین باقی مانده است.

چون به این دو فاجعه علمناک به دیده واقیعت بنگریم، نتایج آن خود بخود هویدا می‌گردد و نشان میدهد که این دو روز هر دو سر آغاز وحشت، ستم، چور و چپاول و ریختن خون های هزاران بیگناه بوده است. این هر دو روز سیاه چون برادران دوگانه یی بودند و هدف هر دو برادر به تاراج بردن سرمایه، ریختن خون و ویران کردن این کشور بوده است و تنها تفاوتی که ظاهر می‌گردد همان است که در هفت ثور بیرق های سرخ و حورا گوئی در کابل نمایان شد و در هشت ثور بیرق های سبز با پکول ها و نعره های الله و اکبر نمایان شد اما در حقیقت پشت پرده هشت ثور نیز همان گرگانی بودند که عقب پرده هفت ثور بودند.

هفت ثور را تنها شوروی سابق پشتیبانی می‌کرد اما هشت ثور را کشور های مختلف و ذینفع چون ایران، شوروی و پاکستان و کشورهای غربی طرح و برنامه ریزی کردند بعداً ترکیه و هندوستان به آنان پیوستند و هر کدام گروهی را برای تحقق اهداف خود وارد صحنه ساخت و همان بود که این گروه های خائن تا امروز به این بادران خود وفا دار باقی ماندند و این کشور را به بهانه های مختلف و تحت شعار های مختلف به ویرانه تبدیل کردند. گاهی در مقابل روبل شوروی فروخته شدند و گاهی هم گرویده دالر امریکایی شدند، بالاخره که خون این ملت رنجیده را چوشیدند، کشور را به ویرانه مبدل نمودند، اما در اخیر همه زیر یک چتر در طویله ای به نام پارلمان یکجا شدند و یکدیگر را برادر خواندند، آنانیکه بر یکدیگر مهر کفر می‌زدند بر یک صفره با بادران امریکایی خود نشسته و دارایی این ملت

را حیف و میل کردند. سیاف و محقق که ناموس و عزت افغانان را اعتناء نکردند و بر سر مردان میخ کوبیدند و سینه های زنان را بریدند پهلوی یکدیگر قرار گرفته و اعلام داشتند که ما برادر بودیم و هستیم و خواهیم بود.



در اخیر می خواهم با این نکته اشاره نمایم که تاریخ در آینده بهتر قضاوت خواهد کرد که هفت ثور و هشت ثور چه ارمغانی برای ما داشت و آیا این دو روز لیاقت تجلیل و بزرگداشت را دارد یا خیر؟

پایان

